

بررسی شعارهای دوران قیام (۲)

محمد مختاری

کتاب جمعه . شماره ۲۴

منبع: بایگانی مطبوعات ایران <http://irpress.org>

نسخه آنلاین مقاله: <http://goo.gl/tt9hnp>

در شماره ۲۰، بخش اول این گفتار را خوانده‌اید که مقدمه‌ئی بود در باب بررسی شعارها با تأکید بر روان‌شناسی اجتماعی مردم ما در جریان انقلاب. در آن گفتار کوشش شده بود که مختصات کلی شعارها بازگو شده، شیوه بررسی ۸۰۰ شعار مورد مطالعه به‌دست داده شود. در این شماره دنباله گفتار قبل را خواهید خواند که در باب طبقه‌بندی شعارها و تعیین تعداد و درصد هر دسته از شعارهاست.

(ک. ج)

طبقه‌بندی شعارها

همان‌طور که قبلاً گفتیم در این بررسی از ۸۰۰ شعار موزون استفاده شده، که مردم و رهبری جنبش گروه‌های سیاسی و اجتماعی طرح کرده‌اند. تنوع شعارها و مسائل گوناگونی که در آن‌ها مطرح شده، ایجاب می‌کند که به‌دسته‌بندی موضوعی آن‌ها بپردازیم، و نسبت درصد هر دسته و طبقه را مشخص کنیم، تا درجه اهمیت هر یک از خواست‌ها و تقاضاهای مردم در جریان قیام، و میزان تأکیدشان بر هر موضوع، و چگونگی برخوردشان با هر مسأله دانسته شود [۱]. این طبقه‌بندی را از شعارهای ضد رژیم آغاز می‌کنیم. چرا که هم مردم در راه براندازی حکومت قیام کرده بوده‌اند، و هم رهبری با توجه به‌همین تضاد شکل گرفته بود. تلقی‌ها و انتظارات مردم از نظامی که باید پس از سقوط رژیم مستقر می‌شد، و نیز برنامه‌های رهبری در این زمینه، اغلب در مراحل بعدی مطرح شده و شکل گرفته است.

شعار اصلی جنبش انقلابی، در دوره‌ئی نسبتاً طولانی، همان شعار «مرگ بر شاه» بوده، که بسته به خصصت‌ها و گرایش‌های مختلف گروه‌های اجتماعی، و با توجه به ویژگی‌های هر مرحله از قیام، شکل‌های ویژه‌ئی می‌یافته است. از آغاز مبارزات توده‌ئی و تظاهرات خیابانی، ابتدا شخص شاه و خاندان و دارودسته‌اش مورد حمله مستقیم و غیرمستقیم توده‌ها قرار گرفته، و سپس در جریان اعتلای جنبش و تشدید حرکت‌های انقلابی مردم، جنبه‌های بنیادی‌تر مبارزه رخ نموده است.

تمرکز شعارها بر شخص شاه از یک سو بازگویی وجه مشترک همه گروه‌ها و نیروهای اجتماعی در مبارزه با اوست. و از سوی دیگر این حقیقت را افشاء می‌کند که گروه‌هائی آگاهانه یا ناآگاهانه، به‌منظور محدود کردن مبارزه در همین سطح، کوشش می‌کرده‌اند. پیداست که ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی، و محدودیت آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی جامعه نیز خود زمینه مساعدی بوده است برای توفیق نسبی این کوشش‌ها.

با این همه تحول این دسته از شعارها در مسیر جنبش نشان می‌دهد که به‌رغم کوشش‌های یاد شده، مردم لحظه به‌لحظه از انقلاب چیزهای تازه فرا می‌گرفته‌اند و به‌یاری انقلاب هرچه بیش‌تر به‌جنبه اصلی مبارزه هدایت می‌شده‌اند.

اساساً شعارهای ضد شاه، برای نیروهای مختلف محتوای مختلفی در بر داشته است. گروه‌ها و طبقات اجتماعی، هرکدام مسائل و منافع طبقاتی خاص خود را در این‌گونه شعارهای مشترک جست‌وجو می‌کرده‌اند. چگونگی برخورد با این شعارها نشان می‌دهد که گروه‌هائی زودتر و گروه‌هائی دیرتر، با این شعارها هماهنگ شده‌اند. چنانکه عوامل میانه‌رو به‌ویژه لیبرال‌ها که از موضع «شاه باید سلطنت کند نه حکومت» به‌مبارزات و شعارهای مردم می‌نگریستند، تنها در اثر حرکت سریع توده‌ها و به‌ناگزیر و در مراحل پایانی قیام به‌شعار توده‌ها گراییدند. البته منظور از این گرویدن آن بود که در مراحل بعدی بتوانند تأثیر متوقف‌کننده‌ئی بر جنبش بگذارند. حال آن که خرده بورژوازی این شعار را بسی تندتر و زودتر برگزید.

اما این دو گروه اجتماعی، با مخدوش کردن مرزهای طبقاتی و با حذف شعارهای طبقاتی کارگران و دهقانان و تأکید بر شعارهای کلی‌تر، و طرح یک جانبه شعارهای ضد شاه، جنبش را در جهت گسترش رهبری و اعمال قدرت خود هدایت کردند. خاصه خرده بورژوازی سنتی و مذهبی که رهبری را به‌عهده گرفته بود، بنا به‌خصلت‌های تک‌روی و مطلق‌گرایی و فردپرستی سنتی و تکیه بر امیال غریزی و عاطفی، به‌تشدید این امر یاری کرد. به‌این ترتیب در شعارهای ضدشاه از یک سو تنوع دیدگاه‌ها و محتواهای ایدئولوژیک و طبقاتی مختلف، متبلور شده است، و از سوی دیگر کوشش‌هایی به‌منظور باز ماندن مردم از مبارزه ضد امپریالیستی نهفته است. وانگهی متمرکز ماندن وجه غالب مبارزات مردم بر این شعار، آن را به‌وسیله‌ئی نیرومند برای سیطره یافتن معیارها و ضوابط عقیدتی خرده بورژوازی سنتی بر اذهان مردم تبدیل کرده است.

شعارهای مورد نظر بیش‌تر و پیش‌تر از همه بر شخص شاه تمرکز یافته است. و سپس به‌افراد خاندان او، و در مرحله بعد به‌رژیم سلطنتی معطوف شده است. افراد خاندان شاه، همراه با خود او مورد تهاجم و حملات شعارها قرار گرفته‌اند. این حملات اغلب حاوی دشنام‌هایی فردی بوده، خصلت‌ها و فساد اخلاقی و روابط نامشروع آنان را افشا می‌کند.

ضمناً تضاد با امپریالیسم نیز از طریق و به‌واسطه همین شعارها جای خود را در میان توده‌های مردم باز کرده شکل خاص آن‌ها را نیز به‌خود گرفته است. توجه به‌نوع و نسبت شعارها این مسائل را روشن‌تر می‌کند. [۲]

ترکیب این ۴۰۰ شعار ضد شاه که ۵۰٪ کل شعارهاست به‌این گونه است:

الف. شعارهای ضد شخص شاه ۲۸۰ شعار = ۳۵٪

ای امام زمان رحمی به‌ما کن	ما را از دست این جلاد رها کن
شاه زنا زاده است	خمینی آزاده است
گر حکم الیه بوگون مراجعه	بو شاه جنایتکارا راجع
جمعاً اله بیزاسلحه آلوخ	قولدور رضانون اوغلونی

تختدن یره سالوخ	کارتار جاننا ولوله سالوخ.
ای بی شرف حیا کن	سلطنت را رها کن.
به همت توده‌ها	شاه ترا می کشیم.
با پتک کارگر با داس بزرگر	از ریشه برکنیم این شاه حيله‌گر.
تا مرگ شاه خائن	نهضت ادامه دارد.
این شاه آمریکائی	اعدام باید گردد.
شاه جنایت می کند	کارتار حمایت می کند.

صفاتی که در شعارها برای شاه قائل شده‌اند، به بهترین وجه روان‌شناسی اجتماعی گروه‌های سازنده شعارها و چگونگی برخورد آن‌ها را با مسأله نشان می‌دهد. این صفات را می‌توان به ۴ دسته تقسیم کرد:

۱. صفات شخصی که قست مهم حملات شمارها را تشکیل می‌دهد، و از فرهنگ عامه حکایت می‌کند مثل:

بی شرف، گرگ، سیه روز، نره‌خر، حيله‌گر، سگ، بیدین، خوک، الاغ‌گاری، محمد دماغ، کونده، دیوانه، دیوث، کس‌کش، پرفریب، پررو، نسناس، فاسد، جغد شوم، بدقواره، رقاص، دنی، دیو، آدم‌کش، دزد، مزاحم، سلاخ، جنایتکار.

۲. صفاتی که با توجه به‌خاندان پهلوی برای او قائل شده‌اند:

پسر رضاقلدر، توله‌سگ، زنازاده، پسر رضاکچل، پدرسگ، کره‌خر، پدرسوخته، رضاکره‌پالونی.

۳. نام‌ها و صفاتی که اختصاصاً درباره موقعیت و نوع حکومت اوست:

ضحاک، فرعون قرن بیستم، ستمگر، جلاد، یزید قانون شکن، دیکتاتور بی وطن، آریاننگ، دشمن بدخواه، پاسدار ظلم، خونخوار.

۴. صفاتی که با توجه به دست نشانده‌گی و حکومت وابسته به امپریالیسم او ساخته شده است:

شاه آمریکائی، نوکر اجنبی، نوکر بیگانگان. مزدور، خائن، وطن فروش، محمد نفتی، عروسک آمریکا، خیانت پیشه، بنده کارتر، همسر کارتر، سگ کارتر، سگ زنجیری آمریکا، ممل آمریکائی.

ب. شعارهای ضد فرح ۳۰ شعار.

شاه جنایت می کند	جنده زیارت می کند.
فرح شورت چه رنگه	کارتر می گه سه رنگه.
کارتر فرحو با نازش می خواد	شرکت نفتو جهازش می خواد.

ج. شعارهای ضد رضاشاه ۲۶ شعار.

هر کی بر سر قبر رضا کچل نرینه الهی که خیر از کونش نبینه.

د. شعارهای ضد ولیعهد ۱۲ شعار.

ولیعهد سلطنت محال است سگ زرد برادر شغال است.

هـ شعارهای ضد خاندان ۵ شعار.

کودکان از کودکی از کشتن موران خوشند
خاندان پهلوی از کودکی آدم کشند.

و. شعارها ضد خواهر شاه (اشرف) ۴ شعار.

شاه طرفدار ماست خواهرش همکار ماست. (از زبان ساکنین شهر نو).

ز. شعارهای ضد شورای سلطنت ۳ شعار.

رژیم پادشاهی گه سگ بدبوئی

شورای سلطنت هم گه سگ مصنوعی.

مجموعه شعارهای یاد شده ۸۰ شعار یعنی ۱۰ درصد مجموع شعارها است.

ح. شعارهای ضد رژیم سلطنتی ۴۰ شعار = ۵٪

برقرار می‌کنیم حکومت علی را سرنگون می‌کنیم رژیم پهلوی را.

رژیم شاهنشاهی سرچشمهٔ فساد است.

رژیم شاهنشاهی نابود باید گردد.

زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی جان فدا می‌کنیم در ره آزادی

سرنگون می‌کنیم سلطنت پهلوی

مرگ بر این شاه. (۲)

۲. شعارهای ضد عوامل دولتی و ضد دولت‌ها ۸۰ شعار = ۱۰٪

توجه شدید به استبداد فردی سبب شده است که ارگان‌های حکومتی و سازمان دولتی رژیم، نسبت کم‌تری از شعارها را به خود اختصاص دهد. مردم روبنای سیاسی را ساخته و پرداخته شخص شاه می‌دانستند، و کارگزاران دولتی را آلت دست و عروسک‌های خیمه شب‌بازی او می‌شمردند. برای دولت‌ها اهمیتی قائل نبوده نخست‌وزیران را کاره‌ئی نمی‌دانسته‌اند، تا برضدشان شعار ویژه‌ئی بسازند. از این رو غالب شعارهائی هم که در این زمینه ساخته شده، هزلیات و مطالب عامیانه‌ئی را جهت هجو دولت‌ها یا نخست‌وزیران در برداشته است.

با توجه به این امر برای افرادی مثل آموزگار، شریف‌امامی، ازهاری، و نیز مهره‌های دیگر رژیم مثل اویسی، خسروداد، ناجی، و وکلای مجلس و غیره جمعاً ۳ درصد یا ۲۵ شعار ساخته‌اند. پیداست که توجه به این افراد همزمان با کشتارهای ارتش، به‌ویژه در دورهٔ ازهاری بیش‌تر شده است:

نه شریفی نه امامی بلکه یک خر (کل) تمامی.

از هاری بیچاره ای سگ چار ستاره
 مردیکه گوساله پیرسگ شصت ساله
 باز هم بگو نواره نوار که پا ندراه
 گفتمی که صد هزاره چشمای تو خماره.
 یک مویز و دو قیسی سقط شده اویسی.
 خسرو داد یک عامل استبداد.
 از درد بی‌علاجی به‌سگ می‌گن تو ناجی. (دراصفهان)

در این میان فقط شاپور بختیار وضعی استثنائی یافته است. مردم که در آن دوره انتقالی، کارکرد دولت بختیار را نسبت به اسلافش متفاوت تشخیص داده بودند، از همان آغاز روی کار آمدنش، به ساختن شعار علیه او پرداختند. در این مرحله، مقابله با شیوه‌ها و شگردهای امپریالیسم نیز در شعارها جایی یافته بود، و مبارزات ضد امپریالیستی سبب شد که مردم با بختیار به صورت واسطه رژیم و آمریکا برخورد کنند از سوئی در دوره او حرکات جنبش سریع‌تر بود، و به این سبب پشت سر هم مسائل تازه‌ئی پیش می‌آمد. مثل حرکت امام خمینی از پاریس و ورود به تهران، تشکیل دولت بازرگان و... که هر یک تظاهرات و شعارهای ویژه‌ئی را ایجاد می‌کرد. گذشته از این‌ها بختیار رهبری را در وضعی قرار داده بود که ناچار باید موضع روشن و صریحی علیه او اتخاذ می‌کرد. با این همه مردم بسی زودتر از رهبری به طرح شعارها و موضع‌گیری علیه بختیار پرداختند. شعارهای مردم علیه او با شعارهای رهبری تکمیل شد و توسعه یافت.

مجموعه این عوامل و مسائل سبب شد که مردم با بختیار به صورتی جدی برخورد کنند. و در نتیجه از ۸۰ شعار مربوط به این بخش، بیش از ۵۰ شعار یعنی ۷۰٪ به بختیار اختصاص یافت. در نمونه‌های زیر مراحل مختلف و نوع برخورد با حکومت بختیار نمایانده شده است.

بختیار بختیار

مأمور بی اختیار سگ جدید دربار.

نه شاه می‌خوایم نه شاهپور مرگ بر این دو مزدور.

کابینه بختیار توطئه آمریکاست.

بختیار شیره‌کش باید بره مراکش.

وای به‌حالت بختیار اگر آقا فردا نیاد (اگر خمینی دیر بیاد).

بختیار توله سگ آقا میاد صددرصد

- یک مملکت یک دولت آن هم به‌رأی ملت

با توجه به‌سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی، برای ساواک نیز شعارهایی (۵ شعار) ساخته شده، که در برخی موارد تلقی فردی را به‌آن تعمیم داده‌اند:

ساواک ترا می‌کشیم.

شاه دربدر شد ساواک بی‌پدر شد.

در همین زمینه ۵ شعار نیز برای شاهپرستان ساخته شده است.

هر کی که شاهپرسته معلومه که دیو‌ته.

و چند شعار نیز برای چماق بدستان، و طرفداران قانون اساسی که گروه اخیر به‌تحریک و تشویق بختیار تظاهراتی براه انداخته بودند.

اینست شعار دولت چماق بدست و غارت.

قانون اسباب بازی یک نهار و یک صدی.

۳. شعارهای ضدامپریالیستی ۹۲ شعار = ۱۱/۵٪

مبارزه با استبداد شاه، در طی قیام با مبارزه علیه وابستگی‌های امپریالیستی حکومت درآمیخت. و توجه مردم از روبنای سیاسی جامعه به ارتباط استعماری آن نیز معطوف شد. در نتیجه تضاد با امپریالیسم در بخشی از شعارها، خصوصاً در شعارهای مرحله متأخر جنبش، منعکس شد.

شعارهایی که علیه امپریالیسم ساخته شده، وضعیتی ناهمگن و نامتجانس دارد. این شعارها به‌طور کلی مستقیم یا غیرمستقیم علیه دشمنان خلق ایران، و حکومت‌ها و دولت‌هایی که دشمن شمرده شده‌اند، سروده شده است. این شعارها یا به‌نیروهای امپریالیستی مربوط است یا به‌کسانی که به‌این نیروها وابسته یا منتسب بوده‌اند. و یا بی‌آن که از دشمن خاصی نام ببرند بازگوی خواست‌های استقلال طلبانه مردمند.

از کل این ۹۲ شعار، ۵۷ شعار با توجه به آمریکا و به‌ویژه کارتر ساخته شده است. (۳۰ شعار مربوط به آمریکا، و ۲۷ شعار مربوط به کارتر) و بقیه به‌ترتیب ۱۸ شعار امپریالیسم را به‌طور عام مورد حمله قرار می‌دهد، ۶ شعار وابستگی به اسرائیل و صهیونیسم را افشا می‌کند. ۶ شعار علیه شوروی، ۲ شعار علیه چین و ۲ شعار نیز علیه انگستان است.

چنان که پیداست اغلب شعارهای ضدامپریالیستی علیه آمریکا است. در عین حال کشورهای مثل شوروی و چین نیز آگاهانه و یا ناآگاهانه در کنار آمریکا قرار گرفته‌اند. و این مسأله به‌همان اندازه که از ناآگاهی نسبت به‌امپریالیسم حکایت می‌کند، اعمال نظر رهبری را نیز در طرح این نوع مسائل نشان می‌دهد.

رهبری با استفاده از جنبه ناآگاهانه استقبال مردم از شعارهایی نظیر «نه شرقی، نه غربی»، کوشید که تلقی‌های معین و جهت‌داری را نسبت به‌امپریالیسم در سطح جنبش اشاعه دهد. همچنان که در پلاکاردها و شعارهای کتبی راه‌پیمایی‌ها نیز گاه امپریالیسم و صهیونیسم و کمونیسم را متفقاً به‌صورت مثلث دشمنان خلق می‌شناساند. در واقع از همین نظرگاه بود که شعارهایی از این دست نیز ساخته می‌شد:

گازو کی برد شوروی
 نفتو کی برد آمریکا
 مرگ بر این سلطنت پهلوی.
 پولشو کی خورد پهلوی

نسبت ۱۱/۵٪ شعارهای ضدامپریالیستی در مقایسه با ۵۰ درصد شعارهای ضد سلطنت، و بخصوص ۳۵ درصد شعارهای ضد شاه، بازگوی آن است که جنبش عملاً به‌طور کلی بر گرایش ضد دیکتاتوری و ضد شاهی متمرکز مانده بوده است. و حتی می‌توان گفت کوشش‌هایی صورت می‌گرفته تا تضاد با امپریالیسم دیرتر یا کم عمق‌تر از آنچه هست بر مردم آشکار شود. اما مردم در سیر جنبش انقلابی، خود به‌ناگزیر به این تضاد رسیده‌اند.

از سوئی نوع شعارهای ضدامپریالیستی نیز نشانه آن است که جهت‌گیری علیه امپریالیسم یا آمریکا، بیش‌تر با توجه به حکومت فردی شاه صورت گرفته است. نه به‌صورتی که ارتباط ارگانیک آن را با صورت‌بندی اقتصادی - اجتماعی جامعه برملا سازد. حتی بخش مهمی از شعارهای ضدآمریکائی مربوط و منحصر است به‌طرح روابط شاه و کارتر و فرح. در مورد ارتباط حکومت شاه با امپریالیسم، روابط جنسی او، اخلاق پدرسالارانه ملاک قضاوت قرار گرفته است. و سنت‌های اجتماعی و خصلت‌های تکروی اهمیتی ویژه یافته است. حساسیت‌های اخلاقی و تلقی‌های عوامانه از فساد و نامشروع بودن روابط مطرح شده است. به‌طوری که انگار گویاترین الگو و نمودار فساد در ارتباط امپریالیسم و حکومت شاه، فقط شکل روابط نامشروع جنسی بوده است! با این همه از آنجا که حرکت مردم، به‌رغم کوشش‌های بازدارنده، رو به‌اعتلای انقلابی داشته، و کوشش گروه‌های مترقی نیز در مراحل متأخر جنبش، بر این روند تأثیر گذارده است، شعارهایی بنیادی نیز علیه امپریالیسم ساخته شده است.

استقلال، آزادی جمهوری اسلامی.

نه آمریکا نه شوروی
 مرگ بر رژیم پهلوی.

فرموده روح خدا چنین است
 اجحاف در ارزاق ضد دین است

امریکا اسیر است
 چین و روس ذلیل است

اسرائیل نابود است	باقطع این نفت. (۲)
اشک چشم ما شوره	کارتر با فرح جوهره
ما جنده نمی خواهیم	ما شاه نمی خواهیم.
فری غصه نخور مملی بمیره	جیمی خودش میاد تورو می گیره.
بعد از شاه نوبت آمریکاست.	
پیروزی نهائی	اخراج آمریکائی.
آمریکا تو خالیست	ویتنام گواهیست.

ضمناً در زمینه شعارهای ضدامپریالیستی، گاه نام کشورهایی به عنوان دشمن مردم و همدست رژیم، مثل اسرائیل، چین، مصر و مراکش، و گاه نام کشورهایی به عنوان طرفدار مردم مثل ویتنام و فلسطین مطرح بوده است. تعداد این قبیل شعارها ۲۳ یعنی ۳ درصد است.

ویتنام، فلسطین متحد خلق ما امریکا، اسرائیل دشمنان خلق ما.

۴. شعارهای مربوط به ارتش ۷۱ شعار = ۹٪

یکی از ارکان حکومت که در طی قیام به صورت‌های مختلفی با آن برخورد شده، ارتش است. ارتش هم با توجه به حکومت شاه و هم با توجه به امپریالیسم موضوع شعارها قرار گرفته است. شعارهای مربوط به ارتش دوگانه است. یعنی هم در ضدیت با ارتش و ارتشیان است، و هم در طریق جلب دوستی و پیوند با آنهاست. نسبت تفکیکی این گونه شعارها چنین است:

در ضدیت با ارتش ۳۵ شعار = ۴/۵٪

در طریق دوستی و پیوند با آن ۱۶ شعار = ۲٪

دعوت ارتشیان به سوی مردم ۱۵ شعار = ۲٪

تفکیک عناصر خوب و بد ارتش ۵ شعار = ۱/۵٪

اگر تعداد شعارهای مربوط به ارتش اندک است، علت اصلی را باید در شیوه برخورد رهبری با مسائل جنبش جست. وگرنه معقول به نظر نمی‌رسد که مردم درباره‌ی عاملی که روز و شب و در هر گوشه‌ی کشور به‌طور وسیع علیه آنان اقدام دشمنانه می‌کرده است، چنین کم شعار ساخته باشند. البته تلقی خود مردم نسبت به عوامل حکومت نیز در این امر سهیم بوده است.

از آغاز جنبش ارتش به‌روی مردم آتش می‌گشود. و در کشتارهای دسته‌جمعی قم و تبریز و اصفهان و یزد و مشهد و... مردم را به خون می‌کشید. اما مردم برخوردی با ارتش نداشتند. توجه اصلی مردم به استبداد فردی بود. این که مردم همه‌ی عوامل و عناصر رژیم را فقط مجری فرمان شاه می‌پنداشتند، آنان را از پرداختن به خود ارتش باز می‌داشت. اما از آغاز تظاهرات عظیم خیابانی تهران، برخورد با ارتش نیز به‌ناگزیر شکل گرفت. مردمی که به‌سوی گلوله‌ها می‌رفتند، در برابر ارتشیانی که بی‌محابا مردم را می‌کشتند، کم‌تر به‌تقابل می‌اندیشیدند. و حتی در زیر باران گلوله‌ی ارتشیان، گل نیز نثارشان می‌کردند. حتی شعارهای ملایم و گله‌آمیزی مثل «ما به‌شما گل می‌دیم شما به‌ما گلوله» نیز از اولین شعارها نبود.

شاید نخستین شعاری که در این زمینه ساخته شد، همان شعار راه‌پیمائی بزرگ عیدفطر بود: برادر ارتشی چرا برادر کشی، این پرسش محبت‌آمیز و گله‌مند، نشانه‌ی آن بود که مردم اصل وریشه‌ی کار را در چیزی دیگر می‌جستند. آن‌ها ارتش را متعلق به یک سیستم ضد‌مردمی تصور نمی‌کردند. بلکه سرچشمه‌ی همه‌ی این دشمنی‌ها

را شخص شاه می دانستند. و به همین سبب قادر بودند که قاتلان خود را نیز برادر خطاب کنند. تا این که سیر و تحول جنبش و به ستوه آمدن خودانگیخته مردم و نفوذ عوامل آگاه در قیام، به شعارهای این بخش شکل تازه‌ئی بخشید. منتهی این شکل پذیری نیز خود مراحل مختلفی را گذراند.

مرحله اول عبارت بود از تحیب ارتش و اعتراض برادرانه به آن. این عمل به عنوان تاکتیکی برای جلب سربازان و افسران، خاصه از سوی رهبری، دنبال شد. این مرحله همراه بود با گل دادن به ارتشی‌ها. و در آغوش گرفتن آنان. اما از آنجا که این تاکتیک نمی توانست پیشبردی داشته باشد ارتش به روند ضدانقلابی خود ادامه داد. چرا که ارتش تابع نظامی بود که عاطفه و معیارهای اخلاقی را بر نمی تافت و رژیم نیز از بیم هماهنگ شدن عناصری از ارتش با مردم، شیوه‌های جداسازی و تشدید تضاد را به کار می بست اما با همه محافظه کاری رهبران (بخصوص در آغاز) که از درگیری مستقیم با ارتش حتی لفظاً هم تن می زدند، و با وجود کشتارهای پی در پی راه مسالمت می پیمودند، مردم خود به ساختن شعارهای ضدارتشی پرداختند. مرحله دوم عبارت بود از تفکیک عناصر ضدملی ارتش از عناصر ملی آن. این مرحله هماهنگ با مرحله ضدیت با ارتش پیش آمد. و به ویژه از سوی رهبرانی که در برابر هجوم و تقاضاهای شدید مردم قرار داشتند، تبلیغ شد. رهبران و به تبع آنان مردم، سربازان را به فرار از ارتش تشویق کردند. شعارهای مربوط به این مرحله هر دو جنبه تحیب ارتش و ضدیت با آن را در بر می گیرد. به مردم القاء کردند که «سرباز تو بیگناهی، فرماندهات جلا داد است». و از این هم فراتر:

ارتش تو بی گناهی
آلت دست شاهی.

مردم به سربازان توصیه می کردند که پادگان‌ها را ترک کرده به آن‌ها بپیوندند. و آمدن سربازان به سوی مردم، با آمدن حرّ به سوی امام حسین مقایسه می شد.

ای سرباز فراری تو حرّ این زمانی
ز لشکر یزیدی به سوی خلق بازآ.

در این مرحله است که عواملی از ارتش به ویژه برخی از پرسنل نیروی هوائی و همافران در هماهنگی با مردم شعارهائی را به خود اختصاص دادند.

زنده و جاوید باد
پرسنل هوائی.

مرحله سوم عبارت بود از ضدیت با ارتش. مردم در شعارهای این مرحله مستقیماً حرکت ضد انقلابی و ضد مردمی ارتش را در پیوند با نظام شاه یا آمریکا مورد توجه و حمله قرار می‌دادند. نوع برخورد و زبان و مفاهیم شعارهای این بخش نشان می‌دهد که سهم خود مردم، در ساختن این شعارها به مراتب بیش‌تر از رهبری بوده است. به طوری که رهبری گاه‌گاهی و در فواصل برخوردهای مردم، به ناگزیر تجدید مطلع کرده در جلب نظر مردم نسبت به ارتشیان می‌کوشید. و مردم نیز غالباً با توجه به این تاکتیک رهبری، روحیه خود را چنین بیان می‌کردند:

به‌گفته خمینی ارتش برادر ماست.

اما به هر حال وضع چنان بود که مردم نمی‌توانستند از گفتن شعارهایی این چنین خودداری کنند که: ارتش برادر همیشه....

تحول شعارها را می‌توان در مراحل یاد شده در نمونه‌های زیر دریافت:

ارتش تو هم با ما باش با ملت هم صدا باش

در راه حق به‌پا باش با دشمن آشنا باش.

ارتش تو خون ملتی تا کی اسیر ذلتی.

سرباز برادر ماست ارتش دشمن ماست.

فرمانده ارتشی توئی که آدم‌کشی، سرباز زحمتکش است.

ارتش دنیا دشمن کش است ارتش ایران برادر کش است.

ارتش به این بی‌غیرتی هرگز ندیده ملتی.

اگه ارتش نباشه شاه به خودش می‌شاشه.

گل‌های ایران همه پرپر شده ارتش ما خر بوده خرتر شده.

ارتش جنایتکار است مزدور استعمار است.

ما ارتش ملی می‌خواهیم نه ارتش آمریکائی.

۵. تقاضای سلاح ۴۰ شعار = ۵٪

توده‌های مردم که از تاکتیک‌ها و شیوه‌های مسالمت‌جویانه به‌ستوه آمده بودند همراه با گسترده شدن جنبش، و تشدید فشار رژیم، و کشتارهای روزافزون ارتش به‌ویژه با توجه به شعارهایی که گروه‌های مترقی طرح می‌کردند، رفته رفته شروع به درخواست اسلحه کردند. و از آمادگی خود برای مسلح شدن سخن گفتند. جنبش انقلابی هر لحظه بر آگاهی‌های توده می‌افزود و آنان را متوجه دست‌های خالی‌شان می‌کرد. کشتارهای رژیم سبب شد که توده‌ها ضرورت اعمال قهر را درک کنند. هرچه سرکوب شدیدتر می‌شد، این ضرورت نیز افزایش می‌یافت. شعارهای درخواست سلاح رشد چنین اعتقادی را نشان می‌دهد. این مسأله از تهدیدهایی مثل «وای به‌روزی که مسلح شویم» آغاز شد، و به‌چنین درخواست‌هایی انجامید:

ای رهبران ای رهبران ما را مسلح کنید.

طلب مردم در این زمینه حتی به‌ایراد و اعتراض به‌رهبری نیز انجامید. منتهی این درخواست‌ها و مطالبات، همراه با تاکتیک‌هایی که خود مردم روز به‌روز به‌کار می‌گرفتند، در مرحله متأخر قیام بیش‌تر و تندتر شکل می‌گرفت. در آن شرایط تاریخی و اعتلای انقلابی، زمینه رشد آگاهی فراهم شده بود. به‌همین سبب سرکوب توده‌ها توسط رژیم نیز خود به‌عاملی جهت ارتقاء آگاهی تبدیل شده بود.

در نتیجه تاکتیک‌ها و اقدامات و تقاضاهای مسلح شدن پس از برخوردهای گوناگون در روند مقابله با ارتش، و برخوردهای پراکنده گروه‌های مسلح با عناصر و عوامل دشمن رو به‌فزونی گذاشت. تا این که قیام مسلحانه به‌من ماه رخ داد، و مردم اسلحه به‌دست آوردند. در این مرحله بود که ایجاد ارتش انقلابی و خلقی به‌جای ارتش ضدخلقی مطرح شد. اما با استقرار حکومت موقت، این عمل به‌ابعاد گسترده و رو به‌اعتلای خود نرسید.

می کشم می کشم	آن که برادرم کشت.
مشت گره کرده ما	روزی مسلسل می شود.
ای ملت آزاده ایران	گر رهبر یمیزدن اولسافرمان
اولسوقدا گلویه نشانه	پیکار ایلروخ مسلحانه.
مسلسل مسلسل	جواب آمریکائی.
تنها ره رهائی	مسلسل مجاهد و فدائی.
تنها ره رهائی	جنگ مسلحانه.
ارتش خلقی به پا می کنیم	میهن خود را رها کنیم.

۶. انواع شعارهای تاکتیکی و تهییجی

این نوع شعارها در مسیر جنبش، رو به شیوع گذاشت. و مردم که در طول قیام اغلب به طور خودبه خودی عمل کرده بودند، دریافتند که برای تنظیم رفتارها و اعمال خود در برابر دشمن، به شعارهای ویژه‌ئی نیاز دارند. دریافتند که به موازات شعارهای تاکتیکی رهبری، باید در زمینه‌های گوناگون مثل اتحاد و اعتصاب و تظاهرات و تهییج و دعوت به مبارزه و مقاومت و براندازی و روحیه‌دهی و جلوگیری از تفرقه و نفاق و غیره دست به کار شده شعارهایی طرح کنند. به همین سبب علاوه بر شعارهایی که در بالا، به آن‌ها اشاره شد، شعارهای دیگری نیز به ترتیب زیر ساخته شد:

شعار تاکتیکی خاص ۸۰ شعار = ۱۰٪

تشکل کلید پیروزی ماست اتحاد ضامن پیروزی ماست.

تزکیه تشکل جنگ مسلحانه.

اعتصاب اعتصاب مدرسه انقلاب.

دانشجو - روحانی پیوندتان مبارک.

تفرقه تفرقه سلاح شاه خائن.

در این زمینه می‌توان به‌نوع و میزان شعارهای زیر نیز اشاره کرد:

دعوت مردم به مبارزه ۲۰ شعار = ۲/۵٪

مردم چرا نشستین ایران شده فلسطین.

استقامت و فداکاری ۲۷ شعار = ۳/۵٪

قسم به روح مادرم فاطمه ندارم از کشته شدن واهمه.

پاره پاره شدن درصف پیکارها در ره حقیقت به‌زیر رگبارها

به که ذلت کشیم تا نباشد رژیم مرگ بر شاه. (۲)

انتقام و براندازی ۳۷ شعار = ۴/۵٪

آثار فساد و خفقان ما نگذاریم از شاه دنی نام و نشان ما نگذاریم.

کاخ نیاوران را به‌خاک و خون می‌کشیم قسم به‌خون شهدا شاه ترا می‌کشیم.

روحیه مثبت و انتظار پیروزی ۳۱ شعار = ۴٪

ما کرده‌ایم از موج خون

کاخ ستم را واژگون

پیروزی از ماست. (۲)

شب تاریک ملت روز می‌گردد

خمینی عاقبت پیروز می‌گردد.

ستایش شهادت و یاد شهید ۳۲ شعار = ۴٪

تنها ره سعادت

ایمان جهاد شهادت.

خون شهیدان خلق

سرخ‌ی پرچم ماست.

برادر مجاهد

شهادتت مبارک.

برادر شهیدم

راحت ادامه دارد.

۷. شعارهای مذهبی ۲۸۰ شعار = ۳۵٪

در این دسته شعارهایی قرار دارند که برای مقابله با رژیم، یا در تأیید و تأکید نظامی که باید به‌جای آن مستقر شود، و یا با توجه به مسائل ایدئولوژیک، و ستایش‌های فردی رهبران جنبش و... طرح شده است. به این ترتیب آنچه مشخصاً یا به‌طور کنایه و مستقیم یا غیرمستقیم مذهبی است، در این دسته از شعارها گنجانده شده است. این شعارها به‌نوعی با مفاهیم یا اسامی شخصیت‌ها و مکان‌ها و مسائل دینی همراه است. حتی شعارهایی نظیر «نیایش شبانه جنگ مسلحانه» نیز که حامل بار مذهبی است، در این بخش محاسبه شده است:

خیانت است به قرآن.

سکوت هر مسلمان

استقلال آزادی	حکومت (جمهوری) اسلامی.
عاشورا عاشورا	قیام ملی ما.
شاهِ جلاد ما تازه مسلمان شده	آبِ غسل و وضوش خون جوانان شده.
اینست شعار ملی	خدا قرآن خمینی.
حکومت توحیدی مظهر عدل و دادست	رژیم شاهنشاهی سرچشمهٔ فسادست.
همدان کربلا شد	همدان بر فنا شد.

ضمناً شعارهایی که مشخصاً از حکومت و جمهوری اسلامی در آن‌ها سخن رفته ۱۶ شعار یعنی معادل ۲ درصد است.

۸. شعارهای مربوط به امام خمینی ۱۶۰ شعار = ۲۰٪

بخش عظیمی از شعارهای مذهبی، که ایدئولوژی و استراتژی و تاکتیک‌های رهبری را ارائه می‌کند، مربوط است به شخص امام خمینی. همچنان که شعارهای ضد رژیم اغلب بر فردیت استبداد شاه متمرکز بوده، شعارهای رهبری جنبش نیز بر شخصیت امام خمینی متمرکز بوده است. تقابل این دو جبهه، خود را در تقابل فردی نیز نمایان ساخته است. به طوری که غالب شعارهایی که برای حمله به شاه مطرح شده، با ستایش آیت‌اله خمینی همراه بوده است.

خمینی بت شکن	ریشهٔ شاهو بکن.
رهبر نهضت آزادگانست آیت‌اله خمینی	انقلابی‌ترین مرد جهانست آیت‌الله خمینی.

کار شاه تمام است خمینی امام است استقلال و آزادی جمهوری اسلامی آخرین کلام است.

درود بر خمینی بت شکن مرگ بر این یزید قانون شکن.

بیا خمینی وطن انقلابست نقش مخالفین تو بر آبست

جان ما فدایت همچو مصطفایت

الله اکبر خمینی رهبر.

ما همه سرباز توایم خمینی گوش به فرمان توایم خمینی.

یک شنبه آقا نیاد دوشنبه انقلابست.

صل علی محمد رهبر ما خوش آمد.

ضمناً شعارهایی نیز درباره شخصیت‌های مذهبی دیگر، و گاه درباره شخصیت‌های سیاسی گذشته ساخته شده است. تعداد این شعارها اندک است و از ۲۵ شعار یا ۳ درصد تجاوز نمی‌کند:

درباره آیت‌الله شریعتمداری.

خمینی آمد به وطن الله اکبر چشم تو روشن شریعتمدار الله اکبر.

درباره آیت‌الله طالقانی.

درود بر طالقانی رهبر زندانی ما.

دربارهٔ بازرگان.

نخست‌وزیر ایران مهدی بازرگان است چون فرموده خمینی او حاکم ایران است.

در مورد بازرگان وضعی استثنائی پدید آمد. انتخاب او (به‌نخست‌وزیری) از طریق امام خمینی و ضرورت راهپیمائی در تأیید دولت او سبب شد که شعارهای متعددی دربارهٔ او ساخته شود.

دربارهٔ دکتر شریعتی.

دروود بر شریعتی معلم شهید ما.

دربارهٔ صمد بهرنگی.

صمد معلم ماست راه صمد راه ماست.

دربارهٔ دکتر مصدق.

دروود بر مصدق.

۹. شعارهای مربوط به ایران، ملت، مردم و خلق ۱۲۰ شعار = ۱۵٪

این دسته شعارهائی است که در هر موضوع و به‌هر بهانه‌ئی سروده شده و به‌طور کلی دربارهٔ ایران و ملت و ملی و مردم و خلق است. یعنی یا اساساً گرایش و جنبهٔ ملی و مردمی را هدف قرار داده یا با توجه به‌گرایش‌ها و

جنبه‌های دیگر، از مفاهیم و واژه‌های یاد شده یاری گرفته است. در مورد این شعارها تفکیک و نسبت زیر به دست می‌آید:

شعارهای همراه با نام ایران و ملت و ملی ۸۰ شعار = ۱۰٪

شعارهای مربوط به مردم و خلق ۴۰ شعار = ۵٪

تا شاه کفن نشود	این وطن وطن نشود.
مردم چرا نشستین	ایران شده فلسطین.
قسم به مردم قسم به میهن	نشینم از پا تا مرگ دشمن.
خلق به خون می‌کشد	سلطنت پهلوی.
انحصار قدرت حق ملت، مرگ بر شاه	امتیاز و حرمت حق ملت، مرگ بر شاه.
از انقلاب مردم	شاه فراری شده.
حکومت اسلامی آری	حکومت خودکامان هرگز
به سلطه جویان شرق و غرب	فروش خاک ایران هرگز.
ایران را سراسر سیاهکل می‌کنیم.	
ملت دیگه بیدار شده	آماده پیکار شده.

۱۰. شعارهای مربوط به طبقات اجتماعی (کارگران و دهقانان) ۲۵ شعار = ۳٪

این گونه شعارها اغلب درباره گروه‌های سیاسی و سازمان‌هایی که در کادر رهبری جنبش قرار نداشته‌اند، ساخته شده است. اگر رهبری نیز شعارهایی برای کارگران و کشاورزان ساخته، غالباً در پاسخ یا برای مقابله با شعارهای همین گروه‌ها بوده است. این مسأله به خوبی از شعار زیر پیداست:

کارگر کشاورز اسلام حامی تست.

اما تمرکز جنبش بر ضدیت با دیکتاتوری شاه، و لزوم اشتراک همه اقشار و طبقات اجتماعی در این مرحله از انقلاب، سبب می‌شده است که طبقات مختلف جامعه، منافع و مسائل خود را به طور کلی در دل شعارهای عام ضد دیکتاتوری بجویند. وانگهی، عدم گسترش و رشد آگاهی‌های طبقاتی، و نیز ضعف و کم‌کاری پیشاهنگان طبقه کارگر و همچنین مخدوش شدن مرزهای طبقاتی توسط گروه‌های لیبرال و خرده بورژوازی، عوامل اصلی کمبود این گونه شعارهاست. از آنجا که آگاهی سوسیالیستی با جنبش طبقه کارگر تلیق نشده بود، کارگران به دنباله روی از خرده بورژوازی سنتی پرداخته نتوانستند در ذهن خود میان منافع، خواست‌ها و آرمان‌های تاریخی خود، با منافع و خواست‌ها و آرمان‌های سایر اقشار و طبقات جامعه، خط و مرز مشخصی بکشند. آنچه طبقه کارگر به طور خودبه‌خودی در می‌یابد، از حد آگاهی خرده بورژوائی فراتر نمی‌رود. و ترویج آگاهی طبقاتی از طریق پیشرو انقلابی نیز به آن حد نرسیده بود که طبقه کارگر را حول شعارهای مستقل گرد آورد.

دروود بر برزگر متحد کارگر.

کارگر نفت ما حامی سرسخت ما.

کارگر برزگر قهرمان کار شما سرمایه را می‌سازد

سرمایه از روز ازل نبوده سرمایه‌دار حق ترا ربوده

با تشکیل و تجهیز نیروهایت با تشکیل حزب کارگران

به دست آور این حق جاودانت.

ای برزگر کشت زمین واجب است

دهقان بدان که این شاه خائن است

بختیار محکوم است پهلوی معدوم است

ای اهل ایمان. (۲)

بی‌مناسبت نیست که ذیل همین مبحث به‌شعارهائی اشاره کنیم که بازگوی وضع یا نام یا مختصاتی از گروه‌های روشنفکری به‌ویژه دانشجویان، معلمین و دانش‌آموزان و غیره است. این قبیل شعارها جمعاً ۲ درصد یا ۶۱ شعار است.

کشتار دانشجویان به‌دست شاه جلاد

خواسته‌آنان بوده برچیدن استبداد

بهترین تسلیت بر پدر مادران مرگ بر شاه (۴)

ضمناً درباره همافران و نیروی هوائی نیز ۱۵ شعار (= ۲ درصد) ساخته شده است.

در انقلاب سرخ خلق ایران

پرسنل هوائی سنگر ماست.

با توجه به‌شعارهای طبقات اجتماعی، به‌این مسأله نیز باید توجه داشت که کلاً در ۲۴ شعار یا ۳ درصد از شعارها، خواست‌های اقتصادی مردم یا توجه به‌امور اقتصادی مطرح شده است. با توجه به‌آنچه تاکنون درباره‌ی ویژگی‌های رهبری جنبش و مسائل و موضوعات شعارها بیان شده، غیرمنتظره نیست، که سهم و درصد اندکی به‌این نوع شعارها اختصاص یافته باشد.

ما به‌جای توپ نان می‌خواهیم.

نان مسکن آزادی.

صف نفت صف نان حقه شاه بیدین.

در تکمیل این بخش باید اشاره کرد که در ۱۹ شعار (= ۲/۵ درصد) مشخصاً ظلم و ستم مورد حمله قرار گرفته و عدل و داد طلب شده است. همچنین ۳۹ شعار (= ۵ درصد) حاوی مفاهیم و درخواست‌های آزادی و رهائی و آزادی است. و در ۸ شعار یعنی یک درصد شعارها نیز آزادی زندانیان سیاسی درخواست شده است.

زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی جان فدا می‌کنیم در ره آزادی.

جمهوری، آزادی نه شاه مادرزادی.

ای ملت ایران دیون هر نه‌دیرسوز

آزادی نی پیدالتین هر ادیرسوز.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

۱۱. شعارهای مربوط به گروه‌های سیاسی ۸۶ شعار = ۱۰/۵٪

در این زمینه دو نوع شعار را باید در نظر داشت. نخست شعارهایی که به‌لحاظ محتوا به‌سازمان‌ها و گروه‌ها مربوط است. و به‌علت برخورد ویژه گروه‌ها با مسائل جنبش و جامعه، از حوزه شعارهای رهبری و شعارهای خودانگیخته مردم جداست. عنصر آگاه در این نوع شعارها آشکار است. و مردم را مستقیماً به‌نهادهای جامعه، و وضعیت طبقاتی و ارتباط ارگانیک امپریالیسم با حکومت متوجه می‌سازد. استراتژی و تاکتیک و مسائل ترویجی و تبلیغی در این نوع شعارها به‌وضوح وضعیت متفاوت را ارائه می‌کند. و اگرچه گاه به‌منظور طرح و نفوذ محتوا زبان عامیانه را هم مورد استفاده قرار می‌دهد اما خواست‌ها و موضوعات آن به‌طور کلی، از

سنجیدگی سازمانی شعارها حکایت می‌کند. این مسأله را نیز باید در نظر داشت که این نوع شعارها، گاه مسائلی را با توجه به استراتژی خاص برخی گروه‌ها مطرح می‌کند که از حد همان مرحله معین قیام نیز فراتر است.

تعداد این نوع شعارها ۴۲ شعار یعنی معادل ۵/۵ درصد کل شعارها است.

کارگر کارگر زنده به کار توایم.

دولت سرمایه‌دار دشمن نوع بشر.

نان مسکن آزادی حکومت مردمی.

اتحاد مبارزه پیروزی.

به همت توده‌ها شاه ترا می‌کشیم.

برابری، برادری حکومت کارگری.

دوم، شعارهایی که نام گروه‌ها و سازمان‌هایی را نیز به صراحت مطرح می‌کند.

از میان گروه‌های فعال دوران قیام، که از حد و حدود محافل روشنفکری و روابط روزنامه‌ئی و... فراتر بوده‌اند، نخست باید از جبهه ملی و نهضت آزادی نام برد. این دو، اگرچه از آغاز تا پایان قیام، نخست مستقلاً و سپس زیر پوشش رهبری، فعالیت داشته‌اند، به دلالتی که از خصلت‌ها و گرایش‌های لیبرالی و محافظه‌کارانه‌شان ناشی می‌شده است، نتوانسته‌اند شعار مستقلی ارائه کنند. به همین جهت مردم نیز درباره آن‌ها شعار نساخته‌اند. مسأله اساسی این است که هرچه قیام در مراحل اولیه خود با نام این‌ها پیوند داشته، در مرا حل بعدی به سرعت از آن‌ها فاصله گرفته و آن‌ها را به دنباله روان خود مبدل ساخته است. یعنی تا مرحله‌ئی که جنبش جریان ملایم سیاسی و انتقادی داشت، از آن‌ها سخنی در میان بوده است. اما در مرا حل بعدی که جنبش جنبه سریع و رادیکال و عمومی یافته، فعالیت دیپلماتیک رهبران این سازمان‌ها (جبهه ملی و نهضت آزادی) تحت الشعاع رهبری جنبش قرار گرفته و به تحلیل رفته است. جبهه ملی و نهضت آزادی، ناگزیر بوده‌اند که فقط در پرتو رهبری حرکت کنند. جبهه ملی که بیش‌تر حکم یک باشگاه سیاسی را داشته، با مردم به طور عام و مستقیم مرتبط نبوده است، تا قادر باشد شعاری را در ذهن مردم بنشانند. و یا شعاری به طرفداری از خود در ذهن توده‌ها

پدید آورد. خصلت‌های طبقاتی و اجتماعی عناصر جبهه ملی موجب آن بود که بیشتر و پیش‌تر از آن که به طرح مسائل سیاسی و اجتماعی در زمینه حرکت توده‌های مردم بپردازند، مسائل را با دستگاه حاکمه شاه حل و فصل کنند.

نهمت آزادی نیز ضمن حفظ گرایش‌های لیبرالی مشابه، به مناسبت وابستگی‌های مذهبی‌اش، ناگزیر بوده که از آغاز با توجه به رهبران مذهبی عمل کند. تا به موقع و ضمن فراهم آمدن محیط مساعد به اعمال سیاست گام به گام خود به‌پردازد.

بنا به آنچه که گفته شد، شکی نیست که شعارهای این بخش با توجه به سازمان‌هایی ساخته شده که اولاً در حد امکانات خود، فعالیت مشخص و مستقلی داشته‌اند. ثانیاً این فعالیت‌ها هماهنگ با قیام رو به اعتلای مردم بوده است. ثالثاً مشی خاص آنان در مبارزه با رژیم، به‌ویژه در مرحله قیام مسلحانه، آنان را مورد اعتماد و منظور نظر گروه‌هایی از مردم کرده است.

این ویژگی‌ها همراه با سوابق مبارزاتی دو سازمان چریک‌های فدائی خلق و مجاهدین خلق، گروه‌هایی از مردم را بر آن داشت که حتی در شعارهایی به‌طرفداری از آنان، از پیوند انقلابی آن‌ها سخن گویند. و با آن که این دو سازمان از لحاظ ایدئولوژیک متفاوتند بر هماهنگی انقلابی آن‌ها را در زمینه قیام و منافع مردم تأکید کنند. این مسائل و تلقی‌ها به‌ویژه در بهمن ماه وضعیت آشکارتری یافت.

پس از قیام بهمن، نهضت آزادی یا جبهه ملی به دولت‌شان یا شرکت در دولت‌شان رسیدند، و ادامه انقلاب بر دوش مردم و نیروهای انقلابی باقی ماند. در این میان حزب توده همچنان در موضع اپورتونیستی خود نوسان داشت، و مردم نیز بنا به سابقه ذهنی و عدم اعتماد تاریخی‌شان، نه به شعارهایی که ساخته بود رغبتی نشان دادند، و نه قادر بودند که جز به جنبه منفی آن بیندیشند.

با توجه به آنچه که گفته شد، ترکیب این دسته از شعارها به این ترتیب است:

سازمان مجاهدین خلق ایران ۲۰ شعار:

تنها راه رهائی	راه مجاهدین است.
درود بر مجاهد	مرگ بر منافق.
درود خلق و خالق	نثار تو مجاهد.

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران ۲۰ شعار:

تن‌ها ره رهائی	پیوند با فدائی.
درود بر فدائی	رزمندۀ نهائی.
فدائی فدائی	تو افتخار مائی.

به این نوع شعارها نیز توجه کنید:

درود بر فدائی	سلام بر مجاهد.
تنها ره رهائی	مسلسل مجاهد و فدائی.

ضمناً ۴ شعار نیز برای گروه‌های دیگر ساخته شده است.

ناگفته نماند که درباره برخی از گروه‌های سیاسی، و به‌ویژه در تعارض با مواضع ایدئولوژیک اعمال و مشی آنان نیز شعارهایی ساخته شده است که جمعاً از ۸ شعار (= یک درصد) تجاوز نمی‌کند:

نفرین خلق و خالق

نثار تو منافق.

حزب همه رنگ

حزب توده.

۱۲. شعارهای عامیانه ۲۸۰ = ۳۵٪

این نوع از شعارها هم جالب‌ترین و بحث‌انگیزترین بخش شعارهاست و هم مناسب‌ترین وسیله برای بررسی و شناخت روحیه و روان‌شناسی اجتماعی مردم در طی قیام است. آمیختگی این شعارها با خصلت‌های لمپنی، رنگ خاصی به آن‌ها بخشیده است. شاید تقطیک کامل شعارهای عامیانه از شعارهای لمپنی و... دشوار باشد. زیرا آنچه نشانه ذوق عامه در ساختن شعار است، غالباً به صورت هزلیات و شوخی‌های آمیخته به ناسزا تجلی کرده است. به طوری که از یک سو با جدی‌ترین مفاهیم و حرکت‌ها و مسائل انقلابی با شوخی برخورد شده است. و از سوی دیگر هزل‌آمیزترین مفاهیم را نیز با عوامل و مسائل حاد اجتماعی و انقلابی پیوند داده‌اند. البته می‌توان مرز نسبتاً مشخصی میان شوخی‌ها و فحش‌ها کشید. اما نمی‌توان میان شعارهای خاص لمپنی و عامیانه به آسانی فرق گذاشت. با این همه می‌توان این قبیل شعارها را ذیل سه بخش عامیانه، لمپنی و شوخی مورد مطالعه قرار داد. و همین جا باید اشاره کرد که از کل این دسته شعارها ۱۴۰ شعار یا ۱۷/۵ درصد فقط فحش است.

گسترش خرده بورژوازی در ایران، و ارتباط و مناسبات اقشار فرودست آن با منش‌ها و خصلت‌ها و رفتارها و خلقیات لمپنی، حتی ارتباط بخش‌هایی از روشنفکران با گرایش‌های لمپنی، سبب شده است که روحیات به‌ویژه زبان و شیوه‌های بیانی این گروه‌ها در فرهنگ مردم نفوذ کرده از این طریق شعارهای عامیانه را نیز متأثر سازد. و نیز سبب شده است که بد و بیراه گفتن و شوخی و بذله‌گوئی و اظهار نظرهای فحش‌آمیز و معتقدات خرافی و آشفته‌گی‌ها یا بی‌خیالی‌ها و... در جریان مبارزه خودانگیخته خلق‌های ایران، سهم مهمی بیابد.

عدم رشد فکری و اجتماعی این گروه‌ها، سبب آن شده است که با مسائل اجتماعی و سیاسی، برخوردهای ویژه‌ئی داشته باشند. همه مشکلات و خصوصیات یک مرحله اجتماعی را در قالب دید محدود و فردگرا و تقدیرگرایی خود، با وقیحانه‌ترین بیان‌ها طرح کنند. محرومیت‌های جنسی و مناسبات زشت و دشنام‌ها، و فقدان فهم و شعور سیاسی اجتماعی را در واژه‌ها و ترکیبات جنسی و اشعاری زنده مطرح کنند. و بیش از آن که دیدگاهی را نسبت به امور و مراحل سیاسی و اجتماعی ارائه کنند، روان‌شناسی خود را در قالب شعارها عرضه کنند.

شاید مقدار قابل توجهی از شعارها را نیز قشرهای لمپنی نساخته باشند. اما به هر حال روحیات و زبان و بیان لمپن‌ها بر این شعارها حاکم است. این آمیزش سبب می‌شود که تفکیک مشخص شعارها نامیسر شود.

ضمناً در دوران قیام، نوع دیگری از وسائل تجلی روحیات لمپنی، کاریکاتورها و نقاشی‌هایی بوده است که از لحاظ هنری فاقد هر گونه ارزش بوده. اما از لحاظ روان‌شناسی اجتماعی، و تأثیرگذاری بر عوام نشانه بارز زندگی لمپنی بود. همان‌گونه که شعارها و شعرهای اصلی قیام، با خلیات و موضوعات لمپنی مونتاژ می‌شده، و هزل‌ها و شوخی‌های صرف پدید می‌آورده، عکس‌ها و کاریکاتورها و نقاشی‌های مونتاژ شده‌ئی نیز در دوران قیام به‌نمایش گذاشته می‌شد که همین کارکرد را داشت. به هر حال نگاهی به نمونه‌های این بخش از شعارها موضوع را روشن‌تر می‌کند.

شعارهای عامیانه:

امروز هوا ابریه مردن شاه حتمیه.

به‌کوری چشم شاه زمستون هم بهاره

سگ جدید دربار شاپور بختیاره.

یا ایها الناس آن شاه نسناس هر جا که باشه باز تو نخ ماس.

بختیار بختیار
منقلت رو نگه‌دار. (در پاسخ شعاری که دارودستهٔ بختیار ساخته بودند که «بختیار
بختیار سنگرتو نگه‌دار»)

قل اعود کفروا تخت شاه شد دمرو.

ارتش باید مرگ بخوره نه مال مردم بخوره (روز تاراج فروشگاه ارتش در مشهد).

تا شاه کفن نشود نفت توی گلن (گالن) نشود.

پدرسگ بیا پائین پدرسگ بیا پائین (روز انداختن مجسمه‌ها).

رژیم می‌خواد لفتش بده راه نجات پیدا کنه.

ما شیر و موز نمی‌خوایم ما شاه دزد نمی‌خوایم (در مدارس).

شعارهای لمپنی:

جاوید شاه در مستراح.

کورش بلندشو که من شاشیدم.

ما بچه‌های مولوی شاه را گرفتیم تو طویله بستیم

از بس که عرعر کرد بختیار رو هم خر کرد.

مملی اگه شاه نمیشد این همه غوغا نمیشد.

رضاشاه سرت سلامت عروست (دخترت) جنده در اومد

پسرت کونده در اومد.

فرح دستکشت کو شوهر کس کشت کو.

با اژه بریدند سر ممد دماغو (۲)

عجب کره خری بود عجب سگ پدری بود.
 کره خر آلاشتی بختیار رو جا گذاشتی.
 بیل و کلنگ و حلبی همه‌ش تو کون پهلوی.
 پسر رضاگری گاو می‌چرونه تا می‌گیم مرگ بر شاه تیر می‌پرونه.

شعارهای شوخی.

(این‌ها شعارهایی است که هدفی سیاسی را دنبال نمی‌کند، و صرفاً جنبهٔ مطایبه دارد. تنها جنبه مؤثر بخشی از آن‌ها وجه تبلیغاتی برای برخی فروشندگان دوره‌گرد است).

مجاهد مجرد داماد باید گردد.
 ما اعتراض داریم شوهر نیاز داریم.
 چرا جوونارو کشتین مارو بی‌شوور گذشتین.
 نه شاه نه خمینی شیره مه‌خیم (می‌خواهیم) کوپینی.
 مرگ بر بختیار تخم مرغ ده ریال.
 اینست شعار ملت حراج نصف قیمت.
 بت‌شکن یزیدکش نایب امام دو تومن (عکس فروش).
 اسرائیل نابود است روتختی موجود است.

۱۳. فردگرایی شعارها ۶۴۰ شعار = ۸۰٪

با توجه به چگونگی برخورد مردم با مسائل جامعه و جنبش، همان طور که از مطالب و موضوعات یاد شده نیز به وضوح برمی آید، خصلت اساسی شعارهای طرح شده، تکروی سازندگان آن است. این جنبه فردگرایانه ناشی از فرهنگ و معتقدات سنتی مردمی است که قرن‌ها زیر سلطه استبداد، منتظر این بوده‌اند که دستی از غیب برون آید و کاری بکند. و به‌رغم آن که خود در قیامی عمومی علیه رژیم وابسته به امپریالیسم به پا خاسته بوده‌اند، باز هم چه دشمن و چه منجی خود را به صورت فردی تصور می‌کرده‌اند.

از مجموع شعارهای مورد بررسی، ۶۴۰ شعار یا ۸۰ درصد شعارهایی است درباره مسائل فردی. و فقط ۱۶۰ شعار یا ۲۰ درصد شعارها به‌گرایش‌ها و برخوردهای اجتماعی یا غیرفردی مردم با نهادهای اجتماعی و انقلاب مربوط است.

این فردگرایی با تکروی بورژوائی نیز متفاوت است. در اینجا جامعه به افراد تجزیه نمی‌شود، بلکه همه نیروها و مسائل جامعه با توجه به قدرت متمرکز افرادی خاص تأویل و تعبیر می‌شود. این فقدان تلقی اجتماعی نسبت به جامعه، و بهای بیش از اندازه دادن به قدرت فردی، همراه با عوامل فرهنگی و اعتقادی تشدیدکننده‌ی مثل سنت، خردگریزی، مطلق‌گرایی، فطرت و تسلیم به تقدیر و غیره از دیدگاهی حکایت می‌کند که رو به گذشته دارد. از یک سو فرهنگ پیش از سرمایه‌داری آن را احاطه کرده است، و از سوئی دیکتاتوری نظام سرمایه‌داری وابسته، مانع از آن بوده است که روابط اجتماعی را بازشناسد.

همین جا باید تأکید کرد که انقلاب، قدرت و امکان آن را داشت که حتی این خصلت اساسی بازدارنده را نیز تغییر دهد. و شور انقلابی و مبارزه گسترده توده‌ها را در هماهنگی با شرایط ذهنی و عنصر آگاه، اعتلا بخشد. اما همان گونه که از مطالب گذشته برمی آید، خرده بورژوازی سنتی که رهبری قیام را با تأکید بر خودانگیختگی آن به‌عهده داشت، نمی‌توانست جنبش را جز به چنین شکل و نتایجی هدایت کند.

آدرس اصلی مقاله در سایت بایگانی مطبوعات ایران.

http://irpress.org/index.php?title=%D8%A8%D8%B1%D8%B1%D8%B3%DB%8C_%D8%B4%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D9%87%D8%A7%DB%8C_%D8%AF%D9%88%D8%B1%D8%A7%D9%86_%D9%82%DB%8C%D8%A7%D9%85_%DB%B2

<http://irpress.org>